

همای اوج سعادت به دام ما افتد...



همای اوج سعادت به دام ما افتد اگر تو را گذری بر مقام ما افتد حباب‌وار براندام از نشاط کلاه اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد شبی که ماه مراد از افق شود طالع بُود که پر تو نوری به بام ما افتد به بارگاه تو چون باد را نباشد بار کی اتفاق مجال سلام ما افتد؟

چو جان فدای لبش شد خیال می‌ستم که قطره‌ای ز زلالش به کام ما افتد خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز کز این شکر، فراوان به دام ما افتد به ناامیدی از این در مرو، بزن فالی بُود که قرعه دولت به نام ما افتد ز خاک کوی تو هر گه که دم زند حافظ نسیم گلشن جان در مشام ما افتد

شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی
 دیوان لسان‌الغیب
 غزل شماره ۱۱۴

شرح یک بیت مشکل حافظ

ماجرای کم کن و باز آ که مرا مُردَم چشم خرقه از سر بهدر آورد و به شکرانه بسوخت از دیربازا معنای این بیت، مجهول و معماگونه می‌موده است و تا امروز شرح خشنودکننده و شیوایی که نشان بدهد این بیت معنای مستقیمی دارد، نوشته نشده است. امید است در اینجا بتوان معنای سراسازی از این بیت به دست داد.

استاد بهاءالدین خرمشاهی در اینجا به تفصیل، به روایت‌ها و تفاسیر گوناگون درباره این بیت می‌پردازد و همه را به نوعی کنز می‌زند و با توضیحات کاملی، معنی دقیق این بیت را تشریح می‌کند که علاقه‌مندان را به خود کتاب ارجاع می‌دهیم و تنها نتیجه تفسیر ایشان را ذکر می‌کنیم.

حاصل و خلاصه معنای بیت، شاعر خطاب به یار خود می‌گوید قهر اطلوئی مکن، آشتی کن و بارگرد که مانعی در کار نیست، یعنی مایه جدایی تو از من، خرقه ریایی من بود که مرا به قید و تکلف می‌انداخت و تو را از من می‌ماند، چه، تصور می‌کردی من خرقه‌پوش رسمی و زهدپیشاهی هستم، اینک به همت مرهمک چشم و بی‌تابی‌ها و افشاگری‌هایش، آن خرقه سلاوس از سر یا از تن من بهدر شده و به شکرانه رفع ریا و رفع حائل یا حبایی که بین ما بود، در آتش سوخته و نابود شده است. به عبارت دیگر، حافظ خود را با شیخ صنعان همسان می‌گیرد و معشوقش را با دختر ترسا و می‌گوید من سalkی هستم که از راه و رسم منزل‌ها بی‌خبر نیستم، حال که تو از من ترک زهد خواسته‌ای، به دیده منت دارم، سرانه هم می‌دهم، شکرانه هم بچای می‌آورم، چه خرقه زهد ریای من خود سزاوار آتش است.

بهاءالدین خرمشاهی
حافظنامه
 شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش
 جلد ۲، صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۵

زبان حافظ و سعدی و فردوسی

بهترین زبان دنیاست

حدیثی است از حضرت رسول صلّو الله علیه و آله که «حب‌الوطن من الایمان» که عین واقعیت است. ایمان هیچ منافاتی با ملیت ندارد... تمام فرهنگ اسلامی حتی عرفان اسلامی از ایران جوئیده است؛ نسبتی که ما ایرانی‌ها با اسلام برقرار کردیم بهتر از نسبتی بود که اعراب برقرار کردند. یکی از دلایل رشد و گسترش اسلام در ایران قومیت ایرانی است. سابقه میتراییسم به این امر کمک کرده، چرا که مقارن‌هایی بین میتراییسم و تفکر شیعی وجود دارد. تفکر شاهنامه هیچ چیز غیر از اسلام نیست... زبان فارسی که شکوفایی‌اش را در اسلام پیدا کرده، زبانی است که در حقیقت تفکر شیعی پیدا کرده و بسیار قشنگ‌تر از زبان عربی فعلی است. زبان قرآن البته زبان الهی است و چیزی است آسمانی اما زبانی که ما در قرن هشتم با سعدی و حافظ و آن رسیدیم زیباترین زبانی است که روی کره زمین موجود است. تفکر ایرانی بسیار بلندمرتبه است. بزرگ‌ترین متفکران اسلامی از ایران برخاسته‌اند. من بشدت وطن‌دوست هستم، سرم را برای ایران می‌دهم.

سیدمرتضی آوینی
 گفت‌ووی امید روحانی با سیدمرتضی آوینی
 مجله فیلم، اردیبهشت ۱۳۷۱

ویتامین در اشعار حافظ

دکتر شریعتی می‌گوید: «هنر بزرگ حافظ در همین است که سخشنش بی آنکه در نظر اول به چشم بخورد، مملو از صنایع گوناگون لفظی و معنوی است؛ از همان‌ها که در کتب معانی و بیان و بدیع و عروض و قافییه آمده است، ولی نه بدان گونه که شاعران متصنع و متکلف ما می‌کنند، بل اینچنان که «بل والری» می‌گوید این صنایع همچون ویتامین‌ها که در میوه نهفته باشند، در سخشنش پنهان است و خواننده از آنها استفاده می‌کند، بی‌آنکه جز طعم و شهد و عطر میوه را به ظاهر احساس کند».

حسین حسینی
سکاس کلمات
 نشر نی
 صفحه ۶۴

حضرت امیر المومنین (ع):

بیچاره اسرافکار! چه دور است از اصلاح نفس و جبران کار خود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

مروری بر آثار کوتاه سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

برای کودک یا درباره کودک؟



از سال ۱۳۶۱ تاکنون ۲۷ دوره موفق به برگزاری شده با محوریت آثار مربوط به کودک و نوجوان، در رشته‌هایی چون فیلم‌های بلند داستانی، فیلم کوتاه، آثار پویانمایی و...

به معرض نمایش می‌رسد. هیات داوران این دوره از جشنواره متشکل از هنرمندان عرصه سینما و تلویزیون و موسیقی بود؛ آریتا حاجیان،

مهدی جعفری، محمد بحرانی، سامان احتشامی و آرش معربیان. اختتامیه سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، شامگاه چهارشنبه، ۱۶ مهر در محل اجلاس سران اصفهان با حضور اعضای جشنواره، هنرمندان و سیاستمداران حوزه فرهنگی و هنری برگزار شد که در آن فیلم «بچه مردم» با کسب جوایزی چون بهترین فیلم، کارگردانی، فیلمنامه، دستاورد هنری و بهترین فیلم از نگاه داوران نوجوان، فاتح این دوره از جشنواره بود. بعد از بچه مردم آثار «چشم بادومی» و «دختر برقی» بیشترین موفقیت را کسب کردند. در میان آثار بین‌المللی جشنواره هم فیلم «Miss Boots» از کانادا با کسب جوایزی چون پروانه زرین بهترین فیلم

کوتاه اما پرظرفیت

سینما که سودای موفقیت در فیلم‌های بلند سینمایی را دارند؛ با این نوع آثار، محصولاتی فرهنگی – معنوی به شمار می‌روند که مطلقاً به قصد دعوت به مردم‌داری و نوع‌دوستی ساخته می‌شوند؛ در حالی که فیلم‌های کوتاه هویتی مستقل از آثار بلند سینمایی دارند و می‌توانند در مدیوم خود بدرخشند.

از سوی دیگر فیلم‌های کوتاه نباید لزوماً نقش معلم اخلاق و رفتار را ایفا کنند و ممکن است در ژانرهای مختلفی چون کمدی، وحشت و حتی اکشن به نمایش برسند. با نگاهی به وضعیت مذکور بدیهی است که نقش فیلم‌های کوتاه در رسانه‌ها کمرنگ و ناچیز انگاشته شود و اگر هم قرار باشد روزی یک ایده به ذهن تولیدکننده‌ای برسد که ابعاد و هیبتش در حد ساخته شدن یک فیلم کوتاه باشد، او به دلیل آگاهی از ذهنیت عموم مردم ممکن است به زور سعی در کش دادن جهان داستانی کوچکش داشته باشد. همین مسأله است که ما را آکنش با سریال‌ها و فیلم‌هایی مواجه می‌کند که به واسطه کثرت‌های الکن روایی و پلات‌های بی‌ربطی که به شاه‌وپیرنگ اثر اضافه می‌شوند، سعی در مجاب کردن مخاطب به تماشای ادامه محصولات را دارند.

جسارت در خواب عمیق

وجود دارد. ارتباط بگیرد اما این یک‌ناوختی می‌تواند روی ذهن مخاطب نتیجه بدی بگذارد و او را به تدریج دل‌زده کند. در فیلم کوتاه «به رنگ انار» نیز این موضوع بیشتر به چشم می‌خورد؛ درون این اثر مخاطب از اول تا آخر فیلم نمی‌داند داستان او را کجا سوار کرده و می‌خواهد کجا ببرد! حال تصور کنید در کنار چنین داستان الکتی ما تماماً با یک دوربین منفعل در لوکیشنی محدود سر و کار داریم. در کنار این مثال‌ها، آثار کمی هم وجود داشتند که فیلمسازان‌شان به دنبال یک فیلمبرداری قصه‌گو و به دلیل باشند. فیلم کوتاه «تباری» با اینکه در میحت داستان مشکلاتی دارد اما از معدود کارهایی است که با یک کمپوزیسیون هماهنگ با جغرافیای روایت و دوربین روی دستی غیر معلق و در راستای تنش فیلم، مخاطب را می‌تواند جذب کند.

تصاویر لطیف، داستان‌های عمیق

آثار کوتاه جشنواره در بخش پویانمایی و استاپ‌موشن نیز نمایش داده شد. انیمیشن‌ها به دلیل آنکه به نقاشی‌های کودکانه شبیه هستند همیشه باعث جذب کودکان می‌شوند. تولیدگران نیز از این گرایش و جذابیت استفاده می‌کنند تا مفاهیم و پیام‌های مورد نظرشان را در دل داستان انیمیشن‌ها قرار دهند. مضامین دربرگیرنده آثار این دوره از جشنواره بیشتر حول محور جنگ و مسائل آموزشی و تربیتی بود. «محیا» که با تکنیک استاپ موشن ساخته شده از جمله آثار صامت جشنواره است که حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. این اثر روایتی جهانشمول دارد و به مخاطب این فرصت را می‌دهد تا جنگ را در هر جایی تصور شود. محیا به دلیل عدم استفاده از دیالوگ و یک پایان‌بندی گنگ تا جایی ممکن

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
 پیام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

و جایزه بخش سیفَر، خوش درخشید. یکی از بخش‌های جشنواره که به نظر می‌رسد در رسانه‌ها کمتر به آن توجه شده و در عین حال اهمیت بالایی دارد، بخش فیلم‌های کوتاه است. در بررسی آثار کوتاه این دوره از جشنواره به چند آسیب‌ اساسی می‌توان پی برد که بعضی از آنها در چند دوره اخیر وجود داشته است. نگاه تمرینی به فیلمسازی کوتاه، کم بودن جسارت نوآوری در تولید این آثار و بی‌ارتباطی بسیاری از آنها با جهان کودکان و نوجوانان، عمده این آسیب‌ها هستند که در ادامه به شرح بعضی از آنها پرداخته شده و گفت‌وگوی کوتاهی که با هادی نائیچی، دبیر این دوره از جشنواره داشته‌ایم، پاسخ بر گزار‌کنندگان دوره سی‌وهفتم جشنواره به یکی از این آسیب‌شناسی‌ها

زمین تمرین بین‌المللی؟

کوتاه جشنواره، خصوصاً در ژانر جنگی که چشم می‌خورد عدم صلاحیت حضور خیل انبوهی از آثار به دلیل محتوای نامناسب بین‌المللی نیست. وقتی یک فستیوال آنقدر نزد هنرمندان یک ملت محترم، و مرجع ظاهر می‌شود، به این طریق صلاحیت آن را پیدا می‌کند تا در ابعاد بین‌المللی نیز آثار هنرمندان را مورد نمایش و قضاوت قرار دهد و عرض اندام کند اما در حال حاضر، فیلم‌های کوتاهی که ما در این جشنواره با آن روبه‌رو هستیم چیزی شبیه به مرحله‌ای تمرینی برای هنرجویانی است که می‌خواهند خود را محک بزنند. ما در جشنواره فیلم‌دانش‌آموزی شاهد روینادی برای کشف و پرورش استعدادهای حوزه فیلمسازی هستیم پس لزومی ندارد آثار این فستیوال بین‌المللی چنین فرم مبتدیان‌ه‌ای داشته باشند. در حال در جشنواره کودک ما تماشاگر آثار فیلمسازان مختلف باغدغه‌های گوناگون هستیم. این آثار کوتاه در سبک‌های متفاوتی همچون انیمیشن، استاپ موشن و فیلم‌های کوتاه داستانی به سجع و نظم مخاطبان رسید.

صاحب آثار کوتاه در واقع مخاطبان خود که بر سبترهای متفاوت جغرافیایی به نمایش می‌رسد به دنبال رویکردهای متفاوت روایی و آسیب‌شناسانه مربوط به مضللات دوره کودکی و نوجوانی هستند. مضامینی چون هویت‌یابی، بخشش، انتخاب دوست، فقر، آموزش، استفاده از فضای مجازی و تلفن همراه، روابط بین والدین و فرزندان از جمله موضوعات آثار این جشنواره است. از مهم‌ترین مضامین جشنواره امسال موضوع جنگ است. ما پیش‌تر شاهد آثاری بودیم که روایتگر ۸ سال دفاع مقدس و جنگ ناجوانمردانه میان فلسطین و رژیم‌منحوس اسرائیلی بودند اما اکنون با تجربه جنگ ۱۲ روزه مفهوم جنگ برای‌مان ملموس‌تر شده و می‌توانیم از درجه‌ای نزدیک‌تر این آثار را تماشا کنیم. موضوع قابل توجه دیگری که در فیلم‌های

جنگ، تربیت و چند داستان دیگر...

در جشنواره، کمدی موقعیت است که در درجات و احوال مختلف به مخاطبان عرضه می‌شود. برای مثال استفاده از طنز در فیلم «ندان بی‌عقل» به شکلی ساده و در حد و اندازه یک مخاطب ۱۰ تا ۱۵ ساله جذاب است. مخاطب در این اثر نمی‌تواند جذب کند. نظر عدمای همچون آقای نائیچی بر این است مخاطب آثار جشنواره لزوماً کودکان و نوجوانان نیستند، بلکه تعدادی از آثار برای پدران و مادران و حتی کارشناسان ساخته شده‌اند تا از دغدغه‌ها و مسائل مربوط به حوزه کودکان و نوجوان باخبر شوند اما اگر به حال و هوا و تم جشنواره و آن افتخاریه‌ای که مانند بر نامه کودک است نگاهی بیندازیم و متوجه حضور پرشور و سرخشت کودکان و نوجوان بشویم، به مشکلات نظریه چند رسالتی بودن جشنواره پی می‌بریم. در هر حال بسیاری از فیلم‌های کوتاه داستانی جشنواره که بعضی از آنها از لحاظ کیفی خوب هم هستند، همچون «فتر ۶۰ برگ»، «بیوترا»، «روا»، «حنابدون» و... نه برای کودکانند و نه حتی درباره کودکان. از مضامین پرستفاده‌ای که با آن در این دوره از جشنواره روبه‌رو بودیم، موضوع جنگ است. بعضی کارها مثل «بینگو» که رویانگر جنگ ۱۲ روزه به زبانی طنز هستند، موفق نشدند زبان یک قصه‌گو در اندازه کودکان را با موضوع خشنی همچون جنگ ترکیب کنند. از آنجا که طنز یک عنصر به‌شدت جذاب است و سن و سال نمی‌شناسد، به‌طور کلی در خیلی از فیلم‌های کوتاه جشنواره این عنصر به چشم می‌خورد. پرستفاده‌ترین نوع کمدی هم

تراмп در مسیر شاه‌وارگی

دستوراتی نظامی صادر کند که هدف‌شان سرکوب اعتراضات، پرهم زند انتخابات با بازداشت شخصیت‌های سیاسی باشد؛ او قبلاً ایده اجرای «قانون شورش» را مطرح کرده که می‌تواند چنین اقداماتی را ممکن کند. او حتی ممکن است به اندازه‌ای تأمید شود که جنگ خارجی را آغاز کند». به باور آناتلتیک، یکی از بهترین نمونه‌های استفاده خودسرانه تراмп از قدرت ارتش را می‌توان در دستور حمله او به قایق‌های ونزوئلایی به پناهه مبارزه با مواد مخدر دید؛ «رئیس‌جمهور به‌طور خودسرانه تصمیم گرفته می‌تواند علیه قاچاقچیان مواد مخدر وارد جنگ شود و علاوه بر آن، تصمیم گرفته به ارتش دستور دهد مظلنونان به قاچاق مواد مخدر را به صورت دلخواه خود از بین ببرد. چندین قایق نابود شده و بسیاری کشته شده‌اند اما نه قانون آمریکا و نه قانون بین‌الملل به رئیس‌جمهور اجازه نمی‌دهد یک جنگ فرضی



است. به عنوان مورد ویژه‌ای که تنها به همین دوره مربوط می‌شود، می‌توان حال و هوای جنگی این دوره را مدنظر قرار داد. در حالی که تولید آثار بلند سینمایی – به طوری که با جنگ ۱۲ روزه مرتبط باشند – گاه حداقل تا یک سال طول می‌کشد، فیلمسازان کوتاه خیلی سریع‌تر توانستند به این موضوع واکنش نشان دهند و جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، نخستین جایی بود که تعدادی از این آثار به‌طور رسمی به نمایش درآمد.

در ادامه به این موضوع هم اشار‌های می‌شود و پس از آن ضمن مروری کلی بر موضوعات آثار کوتاه این دوره، چند اثر خاص به عنوان نمونه‌هایی از هر شاخص، در بخش‌های ویدئویی و پویانمایی مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد مخدر اعلام کند و سپس دستور اعدام سریع افرادی را بدهد که در تیرگی‌های واقعی با ایالات متحده بستند و تهدید فوری برای جان آمریکایی‌ها ایجاد نمی‌کنند». نویسنده از فرآیندهای سیاسی مرسوم در آمریکا بسیار ناامید به نظر می‌رسد و آمیدی به مهار ترامپ توسط دموکرات‌ها هم ندارد: «تا امروز، گنگره در مهار ترامپ کاملاً ناتوان بوده است؛ دموکرات‌ها خیلی ترسو هستند و جمهوری خواهان هم خیلی اهل مصالحه شده‌اند. افسران ارشد نظامی تنها با ایستادن در کنار یکدیگر این کار را می‌توانند تراмп را از هادایت آمریکا به سوی یک درگیری کامل غیرنظامی یا نظامی منصرف کنند». سوال ترسناک از نظر نویسنده این است: اگر دستورات دیگری مانند حمله به قایق‌های ونزوئلایی با استفاده از ارتش برای سرکوب داخلی پیش آید «ربران نیروهای مسلح آمریکا چگونه باید واکنش نشان دهند؟»